



نامه‌نگاری درباره حقوق زنان

ایگیل و جان آدامز



نامه نگاری درباره حقوق زنان

ایگیل و جان آدامز



توانا
TAVANA

آموزشکده آنلاین
برای جامعه مدنی ایران

e-collaborative

for civic education



آموزش‌شکده آنلاین
برای جامعه مدنی ایران

<http://www.tavaana.org>

پروژه

e-collaborative
for civic education

<http://www.eciviced.org>

نامه‌نگاری درباره حقوق زنان

Correspondence on Women's Rights

ناشر: E-Collaborative for Civic Education

نویسندگان: ابیگیل و جان آدامز (Abigail and John Adams)

نقاشی روی جلد: ابیگیل و جان آدامز از گیلبرت استوارت (Gilbert Stuart)

ترجمه: آموزش‌شکده توانا (آموزش‌شکده الکترونیکی برای جامعه مدنی ایران)

e-collaborative for civic education

ECCE (E-Collaborative Civic Education) یک سازمان غیرانتفاعی در ایالات متحده آمریکا، تحت 501c3 است که از فن آوری اطلاعات و ارتباطات برای آموزش و ارتقای سطح شهروندی و زندگی سیاسی دموکراتیک استفاده می کند.

ما به عنوان بنیانگذاران و مدیران این سازمان اشتیاق عمیق مشترکی داریم که شکل دهنده ایده های جوامع باز است. همچنین برای ما، شهروند، دانش شهروندی، مسئولیت و وظیفه شهروندی یک فرد در محافظت از جامعه سیاسی دموکراتیک پایه و اساس کار است؛ همان طور که حقوق عام بشر که هر شهروندی باید از آن ها برخوردار باشد، اساسی و بنیادی هستند. ECCE دموکراسی را تنها نظام سیاسی قادر به تأمین طیف کاملی از آزادی های شهروندی و سیاسی برای تک تک شهروندان و امنیت برابری و عدالت می داند. ما دموکراسی را مجموعه ای از ارزش ها، نهادها و فرایندها می دانیم که مبشر صلح، توسعه، تحمل و مدارا، تکررگویی و جوامعی شایسته سالار است که به کرامت انسانی و دستاوردهای انسانی ارجح می گذارند.

ما پروژه اصلی ECCE یعنی «آموزشکده توانا: آموزشکده مجازی برای جامعه مدنی ایران» را در سال ۲۰۱۰ تأسیس کردیم. آموزشکده توانا در ارایه منابع و آموزش در دنیای مجازی در ایران، یک نهاد پیشرو است. توانا با ارایه دوره های آموزشی زنده در حین حفظ امنیت و با ناشناس ماندن دانشجویان، به یک جامعه آموزشی قابل اعتماد برای دانشجویان در سراسر کشور تبدیل شده است. این دروس در موضوعاتی متنوع مانند نهادهای دموکراتیک، امنیت دیجیتال، حقوق زنان، وب نویسی، جدایی دین و دولت و توانایی های رهبری ارایه می شوند. آموزشکده توانا آموزش زنده دروس و سمینارهای مجازی را با برنامه هایی مثل مطالعات موردی در جنبش های اجتماعی و گذارهای دموکراتیک، مصاحبه با فعالان و روشنفکران، دستورالعمل های خودآموز، کتابخانه مطالب توصیفی، ابزارهای کمکی و راهنمایی برای آموزشگران ایرانی و حمایت مداوم و ارایه مشاوره آموزشی برای دانشجویان تکمیل کرده است.

تلاش ما برای توسعه توانایی های آموزشکده توانا متوجه گردآوردن بهترین متفکران ایرانی و صداهای حذف شده است. به همین ترتیب، به دنبال انتشار و ارتقای آثار مکتوب روشنفکران ایرانی هستیم که ایده های آنان در جمهوری اسلامی ممنوع شده است.

یکی از نقاط تمرکز تلاش توانا، ترجمه متون کلاسیک دموکراسی و مقالات معاصر در این باره و نیز ترجمه آثار مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، روزنامه نگاری، کنشگری و فن آوری اطلاعات و ارتباطات است. امید ما این است که این متون بتواند سهمی در غنای فردی هموطنان ایرانی و بساختن نهادهای دموکراتیک و جامعه ای باز در ایران داشته باشد.

سپاسگزار بازتاب نظرات و پیشنهادهای شما

مریم معمارصادقی

اکبر عطری

M. Memar Sadeghi

Akbar Attari

نامه‌نگاری درباره حقوق زنان

هرچند کلمه «مرد» در اعلامیه استقلال به مفهومی عام و کلی به کار رفته است که از آن مردم از هر جنسیتی اراده می‌شود، در سال ۱۷۷۶ هیچ جامعه‌ای در جهان زنان را موجودات خودمختار و صاحب حقوق سیاسی تلقی نمی‌کرد. خانواده واحد پایه اجتماع بود و سرپرست مذکر خانواده منافع و مصلحت‌های زنان و کودکان وابسته را حفظ می‌کرد. ایگیل آدامز (۱۷۴۴ - ۱۸۱۸) در خانه‌اش در ماساچوست به انتظار خبر اعلام «استقلال» از سوی کنگره قاره‌ای بود ولی شوهرش جان (۱۷۳۵ - ۱۸۲۶) را به ملایمت عتاب می‌کرد که «زنان را به یاد داشته باش» مبادا برای خودشان «شورشی در سر بپروانند» و دیگر خود را «ملتزم به هیچ قانونی که در آن حرفی برای گفتن نداشته باشند» ندانند. البته ایگیل به مفهوم مدرن کلمه زنی فمینیست نبود؛ او این نگاه سنتی به زن را پذیرفته بود که زنان «بنا به مشیت الهی» تحت «قیمومیت» مردان قرار داده شده‌اند اما استقلال شورمندان او به زمانی اشاره داشت که جان در پاسخ‌اش گفته بود که در آن «قبیله‌ای که از همه دیگران پرشمارتر و قوی‌تر» است واقعا «ناراضی» خواهد شد و با کامیابی خواهان شنیده شدن صدای‌اش خواهد شد.

نامه ایگیل به جان، ۳۱ مارس ۱۷۷۶

مشتاقام خبرش را بشنوم که اعلام استقلال کرده‌اید و در ضمن بر حسب مقررات جدید قانونی، که گمان می‌کنم لازم باشد وضع کنید، مایل‌ام زنان را به یاد داشته باشی و در قبال آن‌ها سخاوت و توجه بیش‌تری نسبت به نیاکانات داشته باشی. این قدرت نامحدود را در دست شوهران مگذار!

به خاطر داشته باش که همه مردان اگر می‌توانستند، موجوداتی ستمکار و خودکامه می‌شدند. اگر دقت و توجه خاص به زنان نشود، عزم‌مان جزم است که شورش به پا کنیم و خود را ملتزم به قوانینی، که در آن صدا یا نماینده‌ای نداریم، نخواهیم دانست. این که جنس شما بالطبع ستمکاره و مستبد است حقیقتی چنان جاافتاده است که پذیرفتن آن حاجتی به نزاع ندارد ولی شما خوش می‌دارید که به اشتیاق عنوان خشن ارباب را با عنوان ملایم‌تر دوست جایگزین کنید. پس چرا استفاده از ما و بهره‌کشی ظالمانه و تحقیرگرانه از ما را بدون هیچ عقوبتی از ید قدرت بدطینتان و یاغیان در برابر قانون خارج نمی‌کنید؟ مردان خردمند در هر دوره و زمانه‌ای بیزارند از استفاده از رسومی که از ما فقط به مثابه رعیت فرمان‌بردار جنس شما بهره می‌برند. پس با ما به عنوان موجوداتی رفتار کنید که مشیت الهی تحت قیمومیت شما قرار داده است؛ به تقلید از آن موجود متعالی تا از آن قدرت فقط برای رضایت و شادی ما استفاده کنید. دوست همیشه وفادارت.

تمثال ایگیل آدامز، بر اساس پرتره‌ای از س. شِسِت، و جان آدامز بر اساس یک نقاشی از گیلبرت استیوارت، تصویر این زن و شوهر را نشان می‌دهد که مکاتبات‌شان بازتاب تمام مسائل داغ آمریکای انقلابی بود.

جان به ایگیل، ۱۴ آوریل ۱۷۷۶

... در خصوص آن مقررات جدید قانونی خارق‌العاده‌ات، فقط خنده‌ام می‌آید. به ما گفته‌اند که مبارزه ما بند و زنجیرهای دولت را در همه جا سست کرده

است، کودکان و شاگردان نافرمانی کرده‌اند، مدرسه‌ها و کالج‌ها ناآرام شده‌اند، سرخ‌پوستان قیم‌هاشان را تحقیر کرده‌اند و کاکاسیاه‌ها در برابر اربابان‌شان گستاخی کرده‌اند. ولی نامه تو اولین نشانه است از این که قبیله دیگری پرشمارتر و قوی‌تر از همه این‌ها، ناراضی شده است. این تعارف و تعریف خیلی درشت است ولی خیلی پررو هستی. این‌ها را پنهان نمی‌کنم.

به این اعتماد کن! ما هشیارتر از این هستیم که نظام‌های مردانه‌مان را ملغی کنیم. هرچند این‌ها به قوت در اجرا هستند ولی می‌دانیم که این‌ها مثنی نظریه بیش نیستند. ما جرئت‌اش را نداریم که قدرت‌مان را در کامل‌ترین شکل‌اش اعمال کنیم. ما ناگزیریم که منصفانه رفتار کنیم و نرم‌خو باشیم و می‌دانی که در عمل این ما هستیم که رعیت‌ایم.

ما تنها به اسم ارباب‌ایم و به جای این که از همین هم دست بکشیم که ما را یکسره زیر یوغ استبداد شلیته ببرد، امیدوارم که ژنرال واشینگتن و همه قهرمانان شجاع ما سنگر را حفظ کنند. مطمئن‌ام که هر سیاست‌مدار خوبی تا جایی که بتواند در برابر استبداد نقشه خواهد کشید.

امپراتوری، پادشاهی، آریستوکراسی، الیگارشی یا اوباش‌سالاری - واقعا قصه خوبی است. یواش‌یواش فکر می‌کنم که وزارت سخت‌شیر است. پس از تحریک محافظه‌کاران، ملاکان، سلمانی‌ها، متعصبان، کانادایی‌ها، سرخ‌پوستان، کاکاسیاه‌ها، هانوفری‌ها، هسه‌ای‌ها، روس‌ها، کاتولیک‌های رمی ایرلندی و مرتدان اسکاتلندی، بالاخره خانم‌ها را برانگیخته‌اند که امتیازات تازه‌ای را طلب کنند و تهدید به شورش کنند.

